

جوانان حکمتیست ۱۴

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

سرمدییر: فواد عبداللهی foadsjk@yahoo.com
مدیر سازمان: بهرام مدرسی bahramsjk@yahoo.com



۱۰ آذر ۱۳۸۳ - ۳۰ نوامبر ۲۰۰۴ www.sjk-hekmatist.com سه شنبه ها منتشر می شود

۱۶ آذر روز ماست!



بهرام مدرسی

هفته آینده ۱۶ آذر است. همه دستگاه های تبلیغاتی و انتظامی و گله حزب الله و عربده کش رژیم خود را برای این روز آماده کرده اند. علی اکبر محسنی مدیرکل حراست وزارت علوم اعلام کرده است که دانشگاه ها

محدودیتی برای برگزاری مراسمهای ۱۶ آذر نخواهند داشت و به دانشجویان توصیه کرده است "برای گرامیداشت مراسم ۱۶ آذر، یاد شهدای این روز را زنده نگه دارند." خاتمی اعلام کرده است که احتمالاً به مناسبت این روز در دانشگاه تهران حاضر خواهد شد. انجمنهای اسلامی دانشگاه های متعددی به مناسبت این روز برنامه هایی را در سالنهای سرپسته ترتیب داده اند و بسیج دانشجویی هم طبق معمول و با نبيك به فراخوان مدير كل حراست برنامه هایی را ترتیب داده است. همه از محسنی تا خاتمی و از

انجمنهای اسلامی تا بسیج دانشجویی میدانند که ۱۶ آذر دیگر نه ربطی به یاد "شهدای این روز" دارد و نه صحنه دعوی خانگی جناح های برادران "فداکار اسلام" در حکومت. ۱۶ آذر روز اعلام خواست دانشجویان و جوانان علیه رژیم اسلامی است. این را سال قبل و سالهای پیش از آنهم تجربه کرده اند. تلاش بسیج دانشجویی و انجمنهای اسلامی در گرامیداشت "شهدای این روز" اگر نشان از بلاهت اینان نباشد در بهترین حالت میتواند "خود را به کوچه علی چپ زدن" باشد. تلاشی که در عین حال



عبور به آنسوی تونل!

فواد عبداللهی

جامعه ایران دوران ناچالایی را از سر می گذراند. وقایعی که در طول این چند ساله رخ داده است، بیشک اعلام نخواستن رژیم اسلامی از جانب جامعه بوده است. از اعتصابات کارگری بر سر فشار اقتصادی و بی حقوقی گرفته تا تظاهرات معلمان و افت و خیزهای مبارزات دانشجویی، همه وداع با بنیان و بیت حکومت اسلامی را به نمایش گذاشته است.

اما در این راستا يك خلاء واقعی در مبارزات به چشم می خورد که هنوز پر نشده است. جامعه هنوز با پرچم سیاسی و شعار روشن خود به میدان نیامده است. آن بدیل واقعی که بتواند اتحاد و یکپارچگی "نه"ی مردم به کلیت حکومت اسلامی باشد، دیده نمی شود و قابل لمس نیست.

در این چند سال اخیر اعتراضات دانشجویی فعالانه در صحنه وجود داشته است. دانشجویان معترض، آرزوی از میان رفتن جمهوری اسلامی و جایگزین شدن آن با يك حکومت آزاد، انسانی، مدرن و برابری طلب را داشته اند. نمی خواهند زندگی خود و نسل آینده شان را در پیچ و خم دالانهای حکومت اسلام و خدا تپاه کنند. اگر کسی به یکی از شاخه های جنبش اسلامی تعلق نداشته باشد خیلی ساده خواهد فهمید که دانشجوی، زندگی در سیاهی مذهب را قبول نمی کند. خود را شایسته



نه به جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و برابری!

پیام رحمان حسین زاده به مناسبت ۱۶ آذر ص ۲

۱۶ آذر امسال باید متفاوت باشد!

امید خدابخشی ص ۳

جامعه ایران احتیاج به یک شستشو دارد!

مصاحبه با کلارا چکینی ص ۴

شرقزدگی، مدنیت غربی و رهائی جنسی...

گفتگو با اعظم کم گویان ص ۴

سکس، سیاست یا اقتصاد؟ کدام مهم است؟

محمد فتاحی ص ۶

۱۶ آذر، تثبیت شعار آزادی و برابری!



جمال کمانگر

چند روز دیگر ۱۶ آذر است. ما شاهد صف آزایی آشکار و پنهان در سطح دانشگاههای کشور هستیم. همه خود را برای این روز آماده میکنند. دانشجویان چپ و کمونیست، باقیمانده تحکیم وحدت و بسیج دانشجویی. صف آزایی که خود را در ۱۶ آذر نشان خواهد داد میتواند شاخصی برای پیشروی هر کدام از این نیروها باشد. هر یک از این نیروها میخواهند مهر خود را بر این روز بکوبند. صرف نظر از جنبه تاریخی آن که برای اکثر نیروهای دخیل جنبه فرعی پیدا کرده است، ۱۶ آذر روزی است که جدال بین دانشجویان چپ و رادیکال از یک طرف و از طرف دیگر راست جامعه که یک خانواده بزرگ را شامل میشود که یک سر آن در حکومت و سر دیگر آن در اپوزسیون رژیم حضور به هم

میرسانند. از هم اکنون تحکیم وحدت و بسیج دانشجویی بر سر اینکه کدام تشکل اجازه برگزاری مراسم ۱۶ آذر را خواهد داشت با هم گلاویز شده اند. بسیجها گویا بعد از ۱۸ تیر در خواست مجوز کرده اند و این نشان میدهد که رژیم تلاش خواهد کرد که خود را با این روز تداعی کند. خاتمی گفته که ۱۶ آذر در دانشگاه خواهد بود. البته اگر یک روز مانده نگوید نماید (مانند سال گذشته). رژیم میخواهد با علم کردن عواملش مانند تحکیم وحدت و

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!



۱۶ آذر روز ماست...

سوال بزرگی را هم با خود دارد. سوال این است:

با ورشکسته شدن دوم خرداد و عدم موفقیت اینان در مهار اعتراض دانشجوی، چه جریاتی پرچم دار اعتراض دانشجو در آن جامعه است؟

خاتمی، گله حزب الله، خیل انجمنهای اسلامی، حراست دانشگاه، بسیج دانشجویی و تمام نیروی انتظامی که به مناسبت این روز بسیج شده اند، امیدوارند که جواب این سوال فعلا روشن نباشد. امیدوارند که فعلا و یا حداقل به مناسبت این روز پرچمی به احتزاز درنیايد، امیدوارند که این روز را هم "به خیر" بگذرانند. نه اینکه صرفا تظاهراتهای بزرگی اتفاق نیفتد، بلکه بیشتر اینکه جریانی، کسبی، حزبی و یا سازمانی، به

این جنبش به صدر شعارهای جامعه بود؟ اگر جواب مثبت است، برای به صحنه آمدن این جریان چه باید کرد؟

باید وسیعا از امکان ۱۶ آذر استفاده کنیم. سعی کنیم که با دوستان و آشنایانمان در این روز در هر دانشگاهی که هست، جمعا حضور به هم برسائیم و جمعا شعارهایی را که مد نظر داریم، اعلام کنیم و به شعار آن تجمع تبدیل کنیم.

شعار اصلی ما زنده باد آزادی، زنده باد برابری خواهد بود. باید دانشگاه و تریبونی که به مناسبت ۱۶ آذر در آن بوجود آمده است، اعلام این خواست به همه باشد. اگر انجمنی ها در سالنهای در بسته مراسم "گرامیداشت" خود را بر گزار میکنند، ما باید سعی کنیم در محیط دانشگاهمان، بیرون سالنها به بحث و تبلیغ این خواست و شعار و خواسته های دیگرمان

بپردازیم. باید خود ما سخنگوی

رژیم اسلامی و ساختن جامعه ای آزاد و برابر رضایت نمیدهد. این همان نیرویی است که در خیابان و محله سرتاپای این رژیم سیاه اسلامی را به مصاف طلبیده است. این همان جنبش "بد حجابی" ماست. این همان جنبش ضد دینی و ضد مذهبی است که همه مان خود را جزئی از آن میدانیم. این همان جنبش "روزه خواری" ماه گذشته است. این همان جنبشی است که در محله نمیگذارد کسی را

دستگیر کنند. این جریان و این جنبش امروز در خانه ما هم حضور دارد! نگاهی به اطراف خود بیاندازید! سوال برای ما، برای من، شما و همه کسانی که خود را جزو این جنبش میدانیم این است که از امکان ۱۶ آذر برای اعلام خواسته های این جریان و این جنبش استفاده خواهیم کرد؟ کاری خواهیم کرد که بعد از ۱۶ آذر، چه تظاهرات بشود و چه نه، شعارهای

اعتراض رادیکال جوانان و دانشجویان بدل نشود. این برای آنها خطرناکتر از هر اعتراض گسترده ای است. اعتراض گسترده را البته اگر امکانش باشد، باید سازمان داد، مهمتر اما آن نیرو و آن شعاری است که در این روز خود را طرح میکند، به مردم فراخوان میدهد که حول آن گرد آیند و پس از ۱۶ آذر تازه کارش را برای بسیج بیشتر مردم شروع میکند.

این نیرو اما موجود است. این جریان همین امروز در دانشگاه ما، در محله ما، در شهر ما و در جمع دوستان و آشنایانمان موجود است. این همان جریاتی است که سال پیش شعار آزادی و برابری را به احتزاز درآورد. این همان جریاتی است که در اعتراض به آپارتاید جنسی به خیابان آمد، این همان نیرویی است که در جمع ها و محافلمان به چیزی کمتر از رفتن

آزاد و عاری از خرافه، تن نمیدهد.

اما رسیدن به این خواسته ها محتاج پرچمی واقعی است که دانشجویان را متشکل و متحد کند و به گرد آوری هرچه بیشتر قوا و نیرو بپردازد. این کار بیشک نه در انزوا که با درگیر شدن پیگیر در جنب و جوش ها، در مشغله ها و در سوخت و ساز این جنبش از طریق پراتیک کمونیستها شدنی است. فعالینی که در محیط دانشگاه، دانشجویان را به دور خود جمع می کنند، به آموزش و تشویقشان می پردازند. به چپ چپ و به راست راست را به

دانشجویان نشان می دهند. "آزادی و برابری" را بعنوان پاسخ مطرح می کنند و بر اهمیت این شعار تاکید می ورزند. قاعدتا باید بشود در این شرایط و در بحران آخری که رژیم و شاخه های آن در دانشگاه از انجمن های اسلامی گرفته تا تحکیم وحدت بدان دچار شده اند، "آزادی و برابری" را تبلیغ و تهییج کرد. یک رهبر رادیکال و عملی را می شود از روی این شناخت که چطور در حال تبلیغ بر اهمیت این شعار است و سخنانش به خرج آن جنبش اجتماعی می رود که خود را نماینده آن می داند. نفرت از

خفقان، سرکوب، اعدام، زندان، شکنجه، شلاق، تبعیض، قوانین و سنتها و اخلاقیات اسلامی آقدر بالا گرفته است که می تواند به جنبشی عظیم برای آزادی و برابری تبدیل شود. کافی است دانشجویان پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی را در دانشگاهها در سطحی وسیع بلند کنند تا مهمترین و عاجلترین نیاز امروزی جامعه پاسخ گیرد و بهترین شرایط ممکن متحد شدن برای تحقق مطالبات انسانی و امروزی به پیروزی نزدیک شود. باید وارد جدالی عظیم شد. ۱۶ آذر را در پیش رو داریم. تمام توانایی

خود برای گرد آوری نیرو و تاثیر گذاری بر فضا و محیط دانشگاه را به کار گیریم. به يك نیروی متشکل، به يك وزنه مهم در تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی و شاخه های پوچ و سرکوب گر آن تبدیل شویم. دوران پیدایش نیروی رادیکالی است که جامعه آن را رهبر مبارزه هر روزه اش علیه رژیم اسلامی بیابد. دوران مسلح شدن به يك شعار روشن، به يك پرچم سیاسی معین در مبارزات دانشجویی و هدایت این اعتراضات برای عبور به آنسوی تونل است.

→ عبور به

آنسوی تونل...

زندگی آزاد و انسانی می داند و بعد از هر بار سرکوب، دوباره از نو سر بلند می کند و به چیزی کمتر از جارو کردن و پاکسازی دانشگاهها از نیروهای بسیجی و رژیم، آزادی همه زندانیان سیاسی، برابری دختران و پسران در بهره مندی از امکانات جامعه، آزادی پوشش و روابط جنسی، مخالفت با حکم اعدام انسان ها و در يك کلام تا رسیدن به دنیایی



۱۶ آذر، تثبیت شعار

آزادی و برابری...

بسیج دانشجویی این روز را با کمترین دردسر پشت سر بگذارد. اما این تلاش و تدارکی که عوامل وابسته به رژیم خود را برای آن آماده کرده اند وظیفه سنگینی بر دوش فعالین چپ و رادیکال در سطح دانشگاهها گذاشته است. تحکیم وحدتیا تلاش خواهند کرد که بار دیگر بر فضای دانشگاهها تسلط پیدا کنند. اما نباید اجازه داد این اتفاق بیفتد. این امکان به وجود آمده که طیف وسیعی از فعالین چپ و رادیکال حول شعار "آزادی و برابری" متحد و متشکل شوند. قد علم کردن این طیف بعنوان رهبران جنبش دانشجویی گامها در تثبیت چپ در دانشگاه کمک میکند. این چند روزی که به

۱۶ آذر مانده را باید به ارتباط و هم نظری بیشتر در کل دانشگاهها تبدیل کرد. با طرح شعارهای واحد مانند "زنده باد آزادی و برابری"، آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده و حمایت از اعتراضات کارگران، پرستاران و معلمان ۱۶ آذر را به روز اعتراض و همبستگی هر چه بیشتر بین مردم تبدیل کرد. فعالین چپ و کمونیست باید از تمام تریبونهای موجود برای ابراز وجود خود به مثابه رهبران و سخنگویان دانشجویی استفاده کنند. تثبیت موقعیت چپ در دانشگاه در سطح علمی و گسترده ضامن پیشروی و نوید پلاریزاسیون جامعه به نفع آزادیخواهی و برابری طلبی در آینده است. دانشگاه سنتا و بنا به کارکتری که دارد جایگاه و مامن رشد آزادیخواهی و کمونیسم بوده و باید در این دوره حساس و پرتلاطم این نقش را به خوبی بازی کند.

نشریه

جوانان

حکمتیست

را بخوانید و

آن را تکثیر

و پخش

کنید.

تشکیل سازمان جوانان

کمونیست-حکمتیست

واحد گوتنبرگ سوئد

در طول کنفرانس شهری حزب کمونیست کارگری-حکمتیست در روز ۲۰ نوامبر، غفور زرین کادر سازمان جوانان حکمتیست در مورد اهداف سازمان و ضرورت تشکیل واحد سازمان در گوتنبرگ سخنرانی کرد. بدنبال آن شش نفر از جوانان پر شور و انقلابی به اسامی ۱. رثوف اسدی ۲. علی قهار ۳. دارا ویسی ۴. شب بو مرادی ۵. رضا علیپناه ۶. آرام قادر به عضویت سازمان در آمدند. بعد از جلسه ی که برگزار شد غفور زرین بعنوان مسئول سازمان در گوتنبرگ انتخاب شد.

سازمان جوانان کمونیست-حکمتیست- واحد گوتنبرگ-سوئد

۲۰ نوامبر ۲۰۰۴

www.ghafoor_zarrin@yahoo.co.uk

تلفن: ۰۰۴۶۰۳۰۱۴۴۹۱۴

مایل: ۰۰۴۴۷۳۵۹۷۰۲۷۳

"نه" به جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و برابری



پیام رحمان حسین زاده به مناسبت ۱۶ آذر

در آخرین هفته قبل از ۱۶ آذر هستیم. صف جنبش اعتراضی و آزادیخواهی، صف فعالین و مبارزین اعتراض علیه استبداد، اختناق و سانسور و تعدیات و زورگویی جمهوری اسلامی در محیط دانشگاه و در جامعه هفته پر جنب و جوش و پر از ابتکار و

انتظار را پیش رو دارد. بحث بر سر تدارک ۱۶ آذر نیست. هر جریان جدی و پیشروان و فعالین مبارز و آزادیخواه و کمونیست که درصدد اقدامی و کاریند، پروسه تدارک را مدت‌ها است شروع کرده‌اند. اتفاقاً این هفته، پیروید اجرا و تحقق بسیاری از ابتکارات و برنامه‌های از قبل تدارک دیده شده است. هفته بازبینی‌های لازم طرح و برنامه‌ها در بطن فضای سیاسی کنونی، هفته سبک و سنگین کردن آخرین تاکتیک‌ها و اقدامات رژیم و خنثی کردن و راه حل نشان دادن، هفته ایجاد شرایط مساعد سیاسی، هفته تبلیغ و آگاهگری توده‌ای، هفته توزیع ادبیات آزادیخواهانه و رادیکال و چپ، هفته پخش پوستر و تراکت و اعلامیه گرامیداشت ۱۶ آذر، هفته دست در دست هم گذاشتن و نیرو جمع کردن، هفته گسترش اتحاد و

اعتراضی متنفر از اسلام و جمهوری اسلامی و استبداد و اختناق و تبعیض همچون سال گذشته هژمونی و رهبری چپ و رادیکال را میطلبند. اعلام "نه" بزرگ به جمهوری اسلامی و زنده‌باد آزادی و برابری را میطلبند.

دانشجویان کمونیست! فعالین و پیشروان آگاه!

۱۶ آذر میتواند روز قدرت نمایی بزرگ چپ و رادیکالیسم، روز اعتراض گسترده علیه استبداد و اختناق و سانسور و سرکوب و اعمال و فشار و محدودیت در جامعه و دانشگاه، روز عقب راندن جمهوری اسلامی و ابزارها و عوامل آن و روز ایزوله کردن هر تحرک و جریان راست و

با شعار آزادی و برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی

در تظاهراتی حزب کمونیست کارگری

ایران - حکمتیست و سازمان جوانان

کمونیست - حکمتیست در کشورهای اروپایی - کانادا و

امریکا شرکت کنید!

۱۶ آذر امسال باید متفاوت باشد!

امید خدابخشی



هر سال ۱۶ آذر حال و هوای تظاهرات و اعتراض دارد، هر سال گرایش‌های مختلف در دانشگاه و جامعه پرچمها و خواسته‌هایشان را در این روز مطرح میکنند اما شانزده آذر امسال متفاوت است.

طرفداران دیرروز اصلاحات و خاتمی پرچم فراندوم برداشته اند، انجمن اسلامیهای سابق و دفتر تحکیمی‌ها دمکراسی خواه شده اند، نوای فدرالیسم یوگسلاویزه کردن ایران از گوشه و کنار به گوش میرسد، جناحهای مختلف راست و سلطنت طلب دست به دامن ظهور ارتش آمریکا شدند و دعاگوی بوش و عراق شدن ایران را به قیمت به قدرت رسیدنشان فریاد میزنند. در چنین شرایطی فضای دانشگاه و ۱۶ آذر امسال نقش تعیین کننده ای دارد، امسال هم باید چپ، آزادیخواهی و برابری طلبی تبدیل به شعار دانشجویان شود. باید راستها و متحجرین و ناسیونالیستها را عقب زد و پرچم حقوق انسانی را در دانشگاه بلند کرد. این تنها راه نجات آن جامعه از خوابهای وحشتناکی است که برایش دیده اند.

۱۶ آذر امسال روز آزادی، برابری باید باشد. ۱۶ آذر امسال روز مرگ بر جمهوری اسلامی باید باشد. ۱۶ آذر امسال باید متفاوت باشد.

هلند دنهاخ(لاسه) شنبه ۴ دسامبر(۱۴ آذر) مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران ساعت ۲ تا ۴ بعدازظهر تلفن تماس ۰۰۳۱۶۵۱۱۷۰۷۵۸

نروژ اسلو شنبه ۴ دسامبر (۱۴ آذر) مرکز شهر مقابل پارلمان ساعت ۱۲ تا ۲ تلفن تماس ۰۰۴۷۹۲۰۶۲۵۵۱

تاریخ و محلهای تظاهرات در کانادا و امریکا، سوئیس و دانمارک در اطلاعیه بعدی به اطلاع خواهد رسید.

تلفن تماس با دبیر تشکیلات خارج کشور سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست: جمال کمانگر ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۱۹

تلفن تماس با دبیر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست نسان نویدیان ۰۰۴۹۱۷۲۸۷۲۵۱۸۵

آلمان، فرانکفورت شنبه ۴ دسامبر(۱۴ آذر) مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران تلفن تماس ۰۱۷۴۴۹۱۲۸۶۵۴

انگلستان، لندن شنبه ۴ دسامبر (۱۴ آذر) مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران ساعت ۱ تا ۲ تلفن تماس ۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۷

بلژیک، بروکسل دوشنبه ۶ دسامبر(۱۶ آذر) مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران ساعت ۱ تا ۲ تلفن تماس ۰۰۳۲۴۸۴۷۴۷۲۱۱

سوئد استکهلم جمعه ۳ دسامبر (۱۳ آذر) مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران ساعت ۱ تا ۲ بعدازظهر

سوئد یوتوبوری یکشنبه ۵ دسامبر(۱۵ آذر) مرکز شهر ساعت ۱ تا ۴ بعداز ظهر تلفن تماس ۰۰۴۶۷۳۲۲۷۹۵۹

جامعه ایران احتیاج به یک شستشو دارد!

مصاحبه با کلارا چگینی



رسیدن به يك دنیای آزاد و شاد و مدرن تعریف کرد؟

کلارا: بله، کسی که از خوردن، پوشیدن، نوشیدن، خنده و قهقهه، سکس و تمام رفاهیات و خوشبختی های يك زندگی ساده محروم است، کسی که برایش "قانون" می تراشند و خود نقشی در قانون گذاری ندارد، کسی که برایش نقشه ها میکشند که مهارش کنند، که نکند از دست "قانون" منفجر شود و تمام مناسبت های آقایان "قانون اخلاق" اغلب اوقات يك بار منفی ضد آزادی و مدرنیته در فرهنگ جهان سوم نداشته است؟

کلارا: کاملاً درست است. اخلاق همیشه به این معنی بوده که باید به قوانین عقب مانده و سنتی احترام گذاشت و گرنه جامعه شما را بد قضاوت خواهد کرد. در واقع اخلاق چیزی جز قانون های ارتجاعی و پوچ مذهب و مردسالاری برای دکان داری "خلق" و مردم نبوده است. اخلاق همیشه قسمتی از

است که من مجبور به "رعایت" آن بودم در صورتی که باید نوع پوشش هر کس به خودش مربوط باشد. من برای نوع آرایش و لباس پوشیدنم باید مطابق نظر دولت عمل می کردم که این هم از جمله هزاران حقی بود که از من و هزاران جوانی مثل من گرفته شده بود. البته جوانان از بی حرمتی که در حقشان می شد آگاه بودند و باز به شیوه های گوناگون قوانین اسلامی را می شکستند. مردم از بی حقوقی در این نظام آگاه شده اند و این امید خوبی برای پایان دوران حکومت اسلام است. به طور واقعی من رودرو با ماموران این رژیم نشدم اما همیشه سعی می کردم "قوانین" را به شیوه های گوناگون له کنم. جوانان حکمتیست: به نظر شما کرد.

کلارا: کاملاً درست است. اخلاق همیشه به این معنی بوده که باید به قوانین عقب مانده و سنتی احترام گذاشت و گرنه جامعه شما را بد قضاوت خواهد کرد. در واقع اخلاق چیزی جز قانون های ارتجاعی و پوچ مذهب و مردسالاری برای دکان داری "خلق" و مردم نبوده است. اخلاق همیشه قسمتی از

کلارا: کاملاً درست است. اخلاق همیشه به این معنی بوده که باید به قوانین عقب مانده و سنتی احترام گذاشت و گرنه جامعه شما را بد قضاوت خواهد کرد. در واقع اخلاق چیزی جز قانون های ارتجاعی و پوچ مذهب و مردسالاری برای دکان داری "خلق" و مردم نبوده است. اخلاق همیشه قسمتی از

اخلاق همیشه به این معنی بوده که باید به قوانین عقب مانده و سنتی احترام گذاشت و گرنه جامعه شما را بد قضاوت خواهد کرد. در واقع اخلاق چیزی جز قانون های ارتجاعی و پوچ مذهب و مردسالاری برای دکان داری "خلق" و مردم نبوده است. اخلاق همیشه قسمتی از فرهنگ حکومت ها را به نمایش گذاشته است، اخلاق ما احترام به انسان است. فقط انسان بودن مبنای حرکت ما و قضاوت ما است. حکومتی که می خواهد در اخلاق شما هم دخالت کند و کاراکتر شما را طبق میل خود بسازد باید یک "نه" به بزرگی تمام دنیا نثارش کرد. اخلاقی که برای ما تراشیده اند اخلاق کاذبی است که اگر بشریت جامعه ایران زمانی این حکومت را بیاندازد تازه به جنایت هایی که توسط این اخلاق بر جامعه متحمل شده بود را متوجه خواهد شد. اخلاق کلمه تراشیده شده دم و دستگاه حاکم بر جامعه است. جامعه اسلامی الحق احتیاج به اخلاق دارد چون بی اخلاقی با سر به زمینش خواهد زد.

کلارا: جامعه امروز شما از چه خصوصیاتی برخوردار باشد؟ به جوانان چه پیشنهادی دارید؟

کلارا: جامعه من دور از دسترس نیست، جامعه من با نیروی من و نیروی میلیونها جوانی مثل من باید آزاد و ساخته شود. این جامعه باید آزادی و برابری انسان ها را به رسمیت بشناسد. این جامعه باید از بوی تعفن اسلام و مذهب پاک شود.

ما احتیاج به يك شستشوی کامل جامعه داریم. باید جامعه ای که ما میسازیم سرمشق و الگوی مردم دنیا باشد. انسانها از هر نژاد و جنسی باید احساس امنیت و آرامش و آزادی کامل کنند.

کلارا: جامعه من دور از دسترس نیست، جامعه من با نیروی من و نیروی میلیونها جوانی مثل من باید آزاد و ساخته شود. این جامعه باید آزادی و برابری انسان ها را به رسمیت بشناسد. این جامعه باید از بوی تعفن اسلام و مذهب پاک شود.

کلارا: جامعه من دور از دسترس نیست، جامعه من با نیروی من و نیروی میلیونها جوانی مثل من باید آزاد و ساخته شود. این جامعه باید آزادی و برابری انسان ها را به رسمیت بشناسد. این جامعه باید از بوی تعفن اسلام و مذهب پاک شود.

کلارا: جامعه من دور از دسترس نیست، جامعه من با نیروی من و نیروی میلیونها جوانی مثل من باید آزاد و ساخته شود. این جامعه باید آزادی و برابری انسان ها را به رسمیت بشناسد. این جامعه باید از بوی تعفن اسلام و مذهب پاک شود.

کلارا: جامعه من دور از دسترس نیست، جامعه من با نیروی من و نیروی میلیونها جوانی مثل من باید آزاد و ساخته شود. این جامعه باید آزادی و برابری انسان ها را به رسمیت بشناسد. این جامعه باید از بوی تعفن اسلام و مذهب پاک شود.

کلارا: جامعه من دور از دسترس نیست، جامعه من با نیروی من و نیروی میلیونها جوانی مثل من باید آزاد و ساخته شود. این جامعه باید آزادی و برابری انسان ها را به رسمیت بشناسد. این جامعه باید از بوی تعفن اسلام و مذهب پاک شود.

کلارا: جامعه من دور از دسترس نیست، جامعه من با نیروی من و نیروی میلیونها جوانی مثل من باید آزاد و ساخته شود. این جامعه باید آزادی و برابری انسان ها را به رسمیت بشناسد. این جامعه باید از بوی تعفن اسلام و مذهب پاک شود.

کلارا: جامعه من دور از دسترس نیست، جامعه من با نیروی من و نیروی میلیونها جوانی مثل من باید آزاد و ساخته شود. این جامعه باید آزادی و برابری انسان ها را به رسمیت بشناسد. این جامعه باید از بوی تعفن اسلام و مذهب پاک شود.

کلارا: جامعه من دور از دسترس نیست، جامعه من با نیروی من و نیروی میلیونها جوانی مثل من باید آزاد و ساخته شود. این جامعه باید آزادی و برابری انسان ها را به رسمیت بشناسد. این جامعه باید از بوی تعفن اسلام و مذهب پاک شود.

کلارا: جامعه من دور از دسترس نیست، جامعه من با نیروی من و نیروی میلیونها جوانی مثل من باید آزاد و ساخته شود. این جامعه باید آزادی و برابری انسان ها را به رسمیت بشناسد. این جامعه باید از بوی تعفن اسلام و مذهب پاک شود.

کلارا: جامعه من دور از دسترس نیست، جامعه من با نیروی من و نیروی میلیونها جوانی مثل من باید آزاد و ساخته شود. این جامعه باید آزادی و برابری انسان ها را به رسمیت بشناسد. این جامعه باید از بوی تعفن اسلام و مذهب پاک شود.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

شرقزدگی، مدنیت غربی و رهایی جنسی!



گفتگو با اعظم کم گویان

جووانان حکمتیست: چرا در طول تاریخ همیشه تلاش زنان در ایران برای آزادی و برابری را با ولنگاری و بی و بند باری مترادف کرده اند؟

اعظم کم گویان: ایران یک جامعه مردسالار است و نظام سیاسی، قوانین حاکم و ارزشها و فرهنگ مسلط بر آن مردسالارانه است. ریشه این مرز و قیدها در این فرهنگ مردسالارانه و شرق زده حاکم است. در این فرهنگ، آزادی زن و حضور او در زندگی اجتماعی همیشه برچسب بی بند و باری خورده است. در این فرهنگ در حسرت گذشته می گویند زن ایشارگر، صبور و دست نخورده سابق حالا سمیل بی بند و باری و تخریب اخلاقی جامعه شده است. در جامعه مردسالار، مرد مدافع آزادی زن بی غیرت و زن صفت و فکلی نامیده می شود.

تحولاتی که جامعه ایران از دهه چهل به بعد در عرصه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی از سر گذرانده باعث حاکم شدن روابط تولیدی سرمایه داری، رشد شهرها و شهرنشینی و شرکت وسیع زنان در فعالیتهای اجتماعی، در تحصیل و اشتغال و سایر عرصه های زندگی شد. اما با وجود این حضور وسیع زنان، قوانین و ارزشهای حاکم همچنان مردسالارانه، مذهبی و سنتی باقی ماندند. جریانات ارتجاعی حضور زن در جامعه را بعنوان عامل فساد و انحطاط تکفیر کردند، زنان را عامل امپریالیسم فرهنگی و عروسک مصرفی غربی خواندند و زن مدرن و شاغل را بشکل منحنی تحقیر کردند. زن اگر از حق خود دفاع کند و خواهان آزادی و اختیار بر زندگی باشد، بی بند و بار و زبان دراز است. وقتی که تمامیت زن، وجود و حقوقش به مرد گره می خورد و در رابطه با مرد و ارزشهای مردسالارانه تعریف می شود، اگر بخواهد کمترین ابراز وجودی بکند، بی بند و بار و ول نامیده میشود. فقط تصور کنید زنی که تحت قوانین اسلامی نه می تواند به اختیار و تصمیم خود شاغل باشد، نه حق انتخاب لباس خود را دارد، نه می تواند با اختیار خود ازدواج کند، نه در مورد محل زندگی

تصمیم بگیرد، نه می تواند به مسافرت برود، نه حق سرپرستی فرزندش را دارد، نه زندگی مستقل و تنها داشته باشد، نه اختیار و کنترلی بر زندگی جنسیش داشته باشد و زیر دها فشار و محدودیت دیگر زندگی می کند، وقتی که بخواهد حقوقش و آزادیش را طلب کند، طبق فرهنگ اسلامی — شرقی و مردسالار با او چه معامله ای می شود.

جووانان حکمتیست: رهایی جنسی چه معنایی دارد و چگونه متحقق می شود؟

اعظم کم گویان: از دورانی اولیه تاکنون رابطه جنسی عموماً خدمتی است که زن به مرد می کند تا در ازای آن، از او به لحاظ اقتصادی و اجتماعی مراقبت شود و این رابطه واضح است که به هیچ وجه دو طرفه نیست. بی حقوقی مطلق زن و وابستگی فردی، اقتصادی و اجتماعی او به مرد در امر ازدواج در بسیاری از جوامع امروزه مدرکی بر این امر است: زن خود را تقدیم می کند و مرد به او می پردازد. این ناشی از نظام مردسالاری است که سرمایه داری برای تأمین منافعتش با چنگ و دندان آن را حفظ می کند و مرد را در موقعیت مسلط نسبت به زن قرار می دهد. جامعه مرد سالار زنان را به بکارت متعهد کرد، کم و بیش حق آزادی جنسی را برای مردان به رسمیت شناخت در حالی که زنان در بخش اعظم جوامع بشری به ازدواج و آنهم یکبار ازدواج در سراسر زندگیشان محدود شدند. عمل جنسی اگر نه قانوناً اما از هر لحاظ دیگری برای زن سقوط است؛ تقصیر و گناه و ضعف است. زن باید سیرت و ناموس خود را حفظ کند در حالی که مرد نه تنها برای عمل جنسی ملات نمی شود بلکه تحسین هم می شود. در مورد جنسیت زنان، فرض بر این است که زنی که جنسیتش را بروز میدهد، زن خوب و سالمی نیست. حق رابطه جنسی آزادانه منحصر به مردان است. در جمهوری اسلامی البته نرخ رسمی مقابله با عمل جنسی آزادانه زنان سنگسار است. اگر هم زن سنگسار نشود، حداقل طرد میشود و کسی با او معاشرت نمی کند و البته مردان غیوری در فامیل هم پیدا میشوند

که این زنان را بقتل برسانند. انقیاد در رابطه جنسی اگرچه زنان را بیش از همه در اسارت قرار می دهد اما علیه کل جامعه و شکوفایی انسانهاست. یکی از شاخص های پیشرفت اجتماعی و تحول و بهبود در زندگی مردم، آزادی زن در جامعه و آزاد شدن سکس و مسائل جنسی از تابو، قید و بند و فشارهای اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی حاکم است. آنچه که باعث بقای عقب ماندگی، ناموس پرستی و مردسالاری در قلمرو زندگی جنسی شده حاکمیت مداوم اختناق و بقای فرهنگ اسلامی، مردسالار و شرق زده در جوامعی مانند ایران است.

رهایی جنسی کامل زنان و انقلاب جنسی زمانی بطور کامل ممکن می شود که وابستگی اقتصادی زنان و مناسبات انقیادآور اقتصادی و اجتماعی آنان را ناچار نکند که آزادیها و حقوق جنسی شان را محدود کنند. مقابله قاطع با فشار فرهنگ و رسوم عقب مانده و مذهبی، مردسالاری و تسلط مرد بر زن هم گام مهمی در آزادی جنسی زنان است. من خواهان آزادی کامل و فارغ از هرگونه قید و بند زنان و مردان و اختیار آنان در رابطه عشقی و جنسی شان فارغ از فشارهای اجتماعی و اجبارهای اقتصادی هستم. اگر روابط عشقی و عاطفی بین زن و مرد از اجبارهای اقتصادی و اجتماعی فارغ باشد، این دیگر یک رابطه کاملاً خصوصی است که هیچ مرجعی نه اداری و نه پلیسی حق دخالت در آن را ندارد. در یک جامعه سوسیالیستی، رهایی جنسی یعنی رابطه آزادانه، داوطلبانه و فارغ از قید و بند اقتصادی و اجتماعی دو جنس عملی و امکان پذیر می شود.

جووانان حکمتیست: از نظر حقوق و آزادیهای جنسی جووانان و زنان چه تفاوتی بین ایران با جوامع غربی وجود دارد؟ منشا این تفاوتها در کجاست؟

اعظم کم گویان: تفاوت بین مدنیت غربی با جامعه اسلام زده و شرق زده است. تفاوت بین مردسالاری زمخت و خشن و استبداد دینی با ارزشهای انسانی و مدرن حاکم بر جوامع غربی است؛ و تفاوت بین نظامهای کم و بیش سکولار و یا

غیر مذهبی در جوامع غربی با حکومت اسلامی است. در غرب به یمن جنبشهایی که از دو بیست سال پیش برای کوتاه کردن دست دین از دولت و از زندگی اجتماعی مردم آغاز شد و به دلیل جنبشهای قوی برای تأمین حقوق و برابری زنان، زندگی جنسی زنان تا حدود قابل توجهی از انقیاد دین و سنت خارج شد. با پیشرفت علم و بهبودهای ناشی از آن و فشار جنبشهای حقوق زنان، مساله رابطه جنسی از تولید مثل جدا شد و کنترل نسبی زنان در این زمینه کسب شد. دستیابی به تسهیلات پیشگیری از بارداری و تأمین آموزش جنسی برای نوجوانان و جووانان در سیستم آموزش و پرورش جامعه نقش مهمی در آزادی جنسی جووانان و زنان داشت. علاوه بر این یک مبارزه فرهنگی روشنگرانه مستمر برای آگاه کردن مردم در این زمینه ها و برای خارج کردن سکس، زندگی جنسی و رهایی جنسی از چنگال تابو و سنت از طرف جنبشهای مترقی و آزادیخواه از دهه های آخر قرن نوزدهم تا به امروز جریان داشته است. این تفاوت مدنیت غربی با نظام اسلام زده، شرق زده و مردسالار در ایران است که بخصوص در بیست و پنج سال گذشته اسلام سیاسی هم آن را بدتر کرده است. این همان زمینه ابژکتیو و مبنایی است که جنبش جووانان برای خلاصی فرهنگی و رهایی جنسی در ایران را شکل داده است.

جووانان حکمتیست: استنباط شما از آزادی زنان در برنامه کمونیسم کارگری و مطالباتی که این جنبش پیش رو می گذارد چیست؟

اعظم کم گویان: برنامه کمونیسم کارگری کوتاه کردن دست مذهب و اسلام از زندگی زنان و مبارزه با ناسیونالیسم و فرهنگ مردسالار را دو رکن جدی مبارزه خود برای ایجاد یک تحول جدی در موقعیت زنان می داند. جدایی مذهب از دولت و از آموزش و پرورش و مبارزه فکری و فرهنگی و قانونی با تبعیض جنسی اسلامی از ضروری ترین اقدامات در آزادی زنان در ایران هستند. رکن دوم آزادی زنان، درافتادن با ناسیونالیسم ایرانی و ایده های پوسیده و مردسالارانه ای است که سوسیالیسم است.

زن را سمیل شرف و ناموس ملی می داند و نقش او را در خدمت به مرد و کار در آشپزخانه خلاصه می کند. علاوه بر سرنگونی جمهوری اسلامی و کوتاه کردن دست مذهب، این جنبش خواهان تأمین برابری زنان در عرصه های سیاست، اقتصاد، خانواده، حقوق مدنی، رابطه جنسی و مناسبات بین زن و مرد و مبارزه بیوقفه علیه ارزشها و اخلاقیات مردسالارانه و ضد زن است.

درباره مبنایی و نقطه رجوع مطالبات برابری طلبانه و آزادیخواهانه در برنامه کمونیسم کارگری باید بگویم که در تنوری مارکسیسم بعنوان جهان بینی جنبش کمونیسم کارگری، انسان اساس و محور است. رفاه و رهایی از هر نوع قید و بند اقتصادی و سیاسی و خلاص شدن از چنگال عقب ماندگی، جهالت و تعصبات نقطه عزمیت این تنوری است. هدف این تنوری تغییر پایه ای ساختارهای اقتصادی و سیاسی جامعه و ساختن جامعه ای است که تبعیض و سرکوب و نابرابری در آن جایی ندارد. در چنین جامعه ای جایگاه زن و مرد بعنوان انسانهایی برابر با حقوق و وظایف یکسان در قبال یکدیگر و در برابر جامعه تعریف می شود. زن یک انسان آزاد، برابر و مستقل است و نقش و زندگی او در وابستگی و خدمت به مرد تعریف و خلاصه نمی شود. در یک جامعه کمونیستی آزاد، نه فقط به تقسیم کار جنسی و نابرابری جنسی پایان داده می شود، بلکه نقشهای جنسیتی "زنانه" و "مردانه" مفهوم خود را از دست خواهند داد و زن و مرد بطور مساوی در همه حوزه های زندگی اجتماعی از نگهداری کودک تا شرکت در تولید اجتماعی و تصمیم گیریهای سیاسی حضور دارند.

کمونیسم کارگری، رهایی کامل زنان و برابری واقعی زن و مرد و شرایط از بین رفتن جدایی بین دو جنس را از طریق دست بردن به پایه های کارمزدی و نظام مالکیت خصوصی ممکن می داند. جواب نهایی به مساله رهایی زنان سوسیالیسم است.

سکس، سیاست یا اقتصاد، کدام مهم است؟

محمد فتاحی

(به بهانه نامه بهزاد خندان)

بهباد خندان از خوانندگان نشریه و از فعالین سازمان طی نامه کوتاهی به من و سر دبیر به محتوای نشریه انتقاد کرده که؛ این درست است که مشکل کنونی جوانان مسائل فرهنگی و رابطه دختر و پسر و آزادی جنسی و سکس و... است، اما مشکل اصلی هنوز اقتصاد است. من روزانه با هزاران نفر جوان سر و کله میزنم، که همگی به اتفاق مشکل اصلی را متلازم عدم توانایی در خرید مسکن مستقل از والدین و آینده شغلی میدانند. مسائل جوانان فقط چیزهای ظاهری که مبینی نیست، شاید باید عینک عمق بینی به چشم‌انمان بزیم...

بهباد جان! با این حکم شما مبنی بر "مشکل اصلی هنوز اقتصاد است" اختلاف دارم، که بعدا به آن برمیگردم، ولی اول از توافقت با شما شروع کنم؛ کسی منکر بحث شما در مورد جایگاه اقتصاد و رفاهیات مردم و جوانان نیست. فقر فاحشی که زندگی میلیونی را به تباهی و هزار و یک بلا و مصیبت دچار کرده است، خارج از توصیف است. راستش اگر جمهوری اسلامی میتواند رفاهی ایجاد کند شاید میتواند با کمک قدرت سرکوبش بحران سرنگونی نداشته باشد. منتها این رژیم در کنار ایجاد فقر مطلق برای مردم، دلخات خود در زندگی جامعه را به تمام ابعاد زندگی بسط داده است. نتیجتا تا آنجا که به جوانان برمیگردد در کنار تحمل فقر فاحش مادی و استبداد سیاسی، از یک محرومیت فرهنگی هم رنج میبرند که زندگی جوانی‌شان را جهنم کرده است. همین فاکتور است که نسل جوان امروز را به نسلی جنگی و سازش ناپذیر تبدیل نموده است. این نسل میخواهد از دست اسلام و فرهنگ و سنن کهنه رهایی یابد. این یعنی ظاهرا یک جنگ فرهنگی، منتها میدانید این جنگ مستقیما سیاسی هم هست، چون سنگربندی در مقابله با فرهنگ اسلامی و سنت هایش فقط فرهنگی نیست. دلیل ساده این است که این فرهنگ پایه ایندولوزیک سیاسی حکومت هم هست، بخشی از سیاستها و قوانین دولتی هم هست. به همین دلیل این جنگ پتانسیلی در این نسل ایجاد کرده است که قدرت ایجاد تغییرات اساسی دارد. در ضمن کل جامعه میداند که مادام که این حکومت سر کار است، رفاهی در کار نیست. لذا جنگ سیاسی علیه اینها یک جنگ



برای رفاهیات هم هست، جنگ برای تمام زندگی است. در مقابل نسل و وظیفه داریم برایش مهمات تهیه کنیم و بهترین تاکتیک جنگی علیه کهنه را هم تا آنجا که در توان داریم به او بیاموزیم. در این جنگ راست جامعه هم میخواهد مهمات خود را و سیاستهای خود را تحویل این نسل بدهد. مشکل راست این است که قادر نیست این نسل را علیه اسلام و سنت بشوراند، چون دین و سنن و فرهنگ عتیق یک پایه قوی برای روینای سیاسی راست و یک جامعه متکی بر نابرابری طبقاتی و تبعیض و نابرابری است. ما منتها میتوانیم ابزار پایه‌ای‌ترین نقد را در اختیار جوانان قرار دهیم، تا آن‌ها هم ما را در جوار کردن فرهنگ و سنن و مقدسات مذهبی و ملی‌تکونی جامعه یاری دهند.

سرتان را درد نیلورم، در عرصه فرهنگ و سنت توجه‌تان را به یک پدیده، به یک موضوع و ظاهرا یک موضوع از نظر خلیلیا حاشیه‌ای در جامعه مثل پرده باکرگی جلب کنم، که مربوط به عهد عتیق است، ویژگی ایرانی و اسلامی هم ندارد، چون جزو مقدسات کل دنیای شرق است. نسل جوان امروز، در کنار تمام قدرتی که دارد، تو میدانی چگونه در مقابل این حماقت دوران جهالت بشر نتوان است. میدانید سالانه چند صد هزار دختر ناچار میشوند در پروسه آمادگی برای ازدواج به مراکز پرده دوزی مراجعه کنند؟ میدانید چه هزینه‌های هنگفتی صرف لوختن و ساختن پرده میشود؟ آیا برای جوانی که در این قرن زندگی میکند مایه آفسوس نیست که هنوز اسیر این خرافه است؟ (من فعلا به عوامل دیگری که در این مسئله تاثیر دارند نمیپردازم) اگر اختیار دست چپ آلوده به سنن مذهبی باشد اصلا نباید سراغ اینگونه مسائل به اصطلاح آنها غیرسیاسی رفت. ولی شما فکر میکنید میشود کسی را کمونیت کرد بدون اینکه با این حماقت تصفیه حساب کند؟ میشود کسی را جنگنده برابری برسمیت شناخت در حالیکه برای ازدواجش باید پرده سفارش داده شود؟ این نوع انسان که هنوز با کل عقب‌افتادگی در درون خود وداع نکرده است، چگونه میتواند برای برابری عالی بجنگد؟

این در حالی است که کنار زدن این مانع از زندگی جوان جزو منافع همین امروز آنهاست. کسی که کمونیت روشنی

آلترناتیو خود را دارد، جریانات قومی آتری و کردی و... هم فرهنگ قومی و عتیق خود را بدیل کرده‌اند. نشریات قورپرستان ترک و ناسیونالیستهای کرد در دانشگاهها را که نگاه کنی متوجه میشوید که مشغول باد زدن فرهنگ کهنه و عتیق خود برای جا دادن قوم پرستی و ناسیونالیسم در میان جوانانند. فاشیستهای آتری در نشریه دانشگاهی شان اعتراض دارند که به موسیقی ملی آذربایجان توهین شده است. کسی که متوجه جایگاه سیاسی این وسیله فرهنگی کهنه در تقویت سیاست و ایندولوزی امروز فاشیسم و ناسیونالیسم ترک و آتری نیست، به جایگاه طرح امروز "ساز" "عاشق‌لر" و فرادپیش کشیدن احتمالا چیق آتری میخندد و از آن میگذرد در درون نهادهای ناسیونالیستی کرد نیز سیاست ناسیونالیستی بخشا از طریق زنده کردن سنن دوران جهالت در عرصه فرهنگ و هنر و ادبیات پا به جلو گذاشته است. به محیط فرهنگی اینها که وارد میشود متوجه عمق خفه کننده بودن خرافات فرهنگی شان میشوید که در خدمت سیاست و ایندولوزی قومی پرستی است.

نگار حاشیه رفتم. بحث من علیرغم هر اشکال احتمالی که در طرحش داشته باشم، این است که باید در میان جوانان امروز پرچمدار جنگشان علیه فرهنگ و سنن و آداب و رسوم عتیق و اسلام بود. این جنگ را هر نیرویی بتواند رهبری کند، سیاستهای خود را در درون آن جا میداند، و آترا جایی میتواند ببرد که میخواهد. جنبشی سیاسی که توان و پتانسیل این جنبش جوانان را به خود وصل نکرده است، از نظر من قدرت سیاسی را در مهمترین عرصه باخته است.

اما مشکل من با بحث شما؛

این نشریه هنوز چند شماره‌اش منتشر شده و کماکان باید جلو برود تا به نشریه ایدال ما تبدیل شود. در این چند شماره سکس و فرهنگ و سنت بخش محدودی از موضوع بحث ما بوده است. حالا داد شما در آمد که چرا اقتصاد را مهمتر نمیگیریم، که مسئله اول جوانان است.

بهباد عزیز!

این بحث قبلا به شکل تفاوت در اهمیت جنبش کارگری با جنبش جوانان خود را وسط انداخته بود، و شخصا یادم نیست، ولی فکر میکنم در یکی از شماره‌های نشریه پاسخ بود که به آن جواب دادم. نظری هست در میان بعضی از چپها که میگویند در جامعه جنبشهای جوانان و زنان و... جایگاه جنبش کارگری را برای کمونیتها ندارند. از این حکم هم

نتیجه میگیرد که در این میان بعضی جنبشها اصلی‌اند و بعضیها فرعی. این دیدگاه در درون خود جوانان دانشجوی، آفرا دنبال نخود سیاه کار در میان کارگران می‌فرستد، آنجا که در میان دانشجویان هم میماند داد میزند که کهنه و عتیق خود برای جا دادن قوم پرستی و ناسیونالیسم در میان جوانانند. فاشیستهای آتری در نشریه دانشگاهی شان اعتراض دارند که به موسیقی ملی آذربایجان توهین شده است. کسی که متوجه جایگاه سیاسی این وسیله فرهنگی کهنه در تقویت سیاست و ایندولوزی امروز فاشیسم و ناسیونالیسم ترک و آتری نیست، به جایگاه طرح امروز "ساز" "عاشق‌لر" و فرادپیش کشیدن احتمالا چیق آتری میخندد و از آن میگذرد در درون نهادهای ناسیونالیستی کرد نیز سیاست ناسیونالیستی بخشا از طریق زنده کردن سنن دوران جهالت در عرصه فرهنگ و هنر و ادبیات پا به جلو گذاشته است. به محیط فرهنگی اینها که وارد میشود متوجه عمق خفه کننده بودن خرافات فرهنگی شان میشوید که در خدمت سیاست و ایندولوزی قومی پرستی است.

نتیجه دیگری که میدهد این است که امثال شما نه تنها این عرصه‌ها را ول کرده‌اید، نه تنها بحثی در این مورد نمیکنید، وقتی به ما می‌رسید یلمان میداند که نباید زیاد دنبال فرهنگ و بویژه بخش سکس و نیازهای جنسی رفت، چون اقتصاد مهم است. وقتی هم سراغ بحث سکس میرویم ناچاریم از جوان هیجده و نوزده ساله هم به زور مصاحبه و سوال نکاتی در مورد سکس و رابطه دختر و پسر بر زیانتش در بیابوریم. بروید تمام نامه‌ها و نوشته‌های جوانان چپ را ببینید که برای ما نامه نوشته‌اند، سوال طرح کرده‌اند یا بحث کرده‌اند. کسی را پیدا نمیکنید سر این مسائل خم شود. اینها امیدوارم در زندگی جوانی‌شان بلایی که سر نسل من آمد سر اینها نیفتد، منتها تا به ما رو میکنند یلشان میاید که فرهنگ و موزیک و سکس و نیاز جنسی باید فراموش شود. بخشی از همین جوانانی که در زندگی خود احتمالا خیلی کارهای مطابق نوق جوانی میکنند، تا به ما می‌رسند، تو زده شروع میکنند و نمود کنند که از فرط

"سیاسی" کاری"، نیازهای جوانی اصلا مسئله شان نیست، و نگرانم بگویند به اندازه کافی پاکدامن و "بالخلق" اند!

مشکل بعضی مقالات شما؛

مشکل دیگرم با نظر شما در مورد نیازهای جوانان این است که تقریبا همه جوانانی که تا این لحظه به این نشریه نوشته‌اند، همگی در عمل مخالفتی با شما ندارند! بروید مقالات این رفقا را در نشریه جوانان حکمتیست فعلی و جوانان کمونیت سابق بخوانید هیچ تفاوتی بین آنها و مطالبی که برای یک نشریه سیاسی عمومی نوشته میشود دیده نمیشود. نسل جوان امروز در جنگی شبانه‌روزی علیه فرهنگ و سنن و اخلاقیات و ارزشها و آداب و رسوم

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

Youth Communist Organization - Hekmatist

آرم سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

مردم به اصل و فرع، به مهم و غیر مهم، در عمل هیچ کاری به غیر از دور کردن ما از این جنبشها و عرصه‌ها ندارد که هیچ، همین جنگ همه‌جانبه‌ای که امروز میلیونها جوان و مردم با اسلامیون دارند را از دستور کار ما خارج میکند، و دو دستی تحویل راست‌شان میدهد. نتیجه این میشود که ما فردا چیزی درو نخواهیم کرد. بر خاتمه بگویم متوجه هستید که یادداشت مختصر تو بهانه‌ای شد برای درد دل کردنم از بهترین کارهای این سازمان در داخل و خارج به عنوان آرزو صمیمانه امیدوارم آن عینک عق‌بین تو و همه شماها بشکند و خرد خرد بشود تا مثل من سطحی‌نگر و "غیر اقتصادی" شوی! در خاتمه خیلی دلم میخواد اگر ملاحظه‌ای دارید حتما برابم بنویسید. مبیوسمت.

حاکم بر جامعه درگیر است، و این رفقای ما انگار نه انگار نیای این جنگ جوانان به آنها مربوط است! این رفقا روزانه زبان ضدزن و مردسالار و ضد کودک و ناسیونالیست فارسی و ایرانی را میبینند، فرهنگ حاکم بر آن در ضدیدت با آزادی و برابری را لمس میکنند، ولی در مقابلش بی حرفند. گویا آزادی و برابری را فقط در تظاهراتها باید سر داد، و گویا سیاست کمونیسم کارگری فقط در نقد و بحث در حیطه سیاست بدرنجور است.

نقد اخلاقیات غیرانسانی حاکمی که روزانه در کنار ما تولید و بازتولید میشود مسئله کسی نیست. انگار ناسیونالیسم و اسلام و ایرانیگری خود را فقط در فرمولهای شست‌رفته سیاسی مربوط به سلطنت اسلامی و غیراسلامی نشان میدهد و بس. بروید حول رابطه دختر و پسر به خوار به خرافات و کتافات فرهنگ دوران جهالت بشر برمیخورید و رفقای ما را به آن کاری نیست. ادبیات امروز و دیروز ایرانی، هنرش، موزیکش، شعرش، سینما و فیلم و نمایش و سوخت و سازه‌های هنری‌اش پر است از کهنگی و گذشته‌پرستی و ارتجاع و شما متعجب میمانید که جوانان کمونیست و حکمتیست لگر در این جامعه هستند چرا علیه اینها نقدی و حرفی ندارند، چرا ساکت و خاموش‌اند؟ زبانه‌های ایرانی (همه‌شان) که به کار میافتند و صحبت میکنند یک در میان باید مواظب باشند به حقوق جهاتشمول نسان، به کودک، به زن، به ملیتهای دیگر، به این و آن توهین نکنند، کنار دستی را تحقیر نکنند، و راستش را بخواهید اگر مواظب نباشند راه دیگری ندارد. در مقابلش کسی پیدا نمیشود یک هفته سیاستش را مقاله و تحقیق علمی و رساله‌ای بکند و علیه ارتجاع در فرهنگ روزمره اعلام جنگ کند. گویا اینها اصل نیست، مسائل مهم کارگران نیست، گویا کارگر به حکم جایگاه صنعتی در مقابل این سموم بیمه است، و گویا اصلا به سیاست و نقد جامعه خیلی مربوط نیست چون پایه‌های این خرافات فرهنگی اقتصادی‌اند، گویا اینها روینا و فرع‌اند و اقتصاد اصل است!! "اهمیت" دیگر اقتصاد؛ طرف دیگر این سکه بی اهمیت کردن سیاست و غیر سیاسی کردن خود جوانان و کارگران است. اینها در میان کارگران مانع دخالت آنها در سیاست میشوند، همانطوریکه خونیان از سیاست می برند. اینجا منظورم از سیاست دخالت در سرنوشت سیاسی جامعه و امر کسب قدرت و دولت است. گویا به فکر اقتصاد‌اند ولی هیچگاه کارگری که تحت تاثیر اینهاست از مزدوری برای سرمایه رها نخواهد شد، چون به روشنی دخالت در حوزه

قدرت دخالت نکنید، و میدانش را تحویل همین موجودات سیاسی دهید تا ویروس جنگ قومی در جنگستان اقوام بکارند. مبارزه اقتصادی مهم است تا غیردخالتگر باشید، مهم است تا به هزار و یک وجه دیگر زندگی کارگر و جوان و زن و مرد و کل جامعه بینقوت بود، مبارزه اقتصادی مهم است چون قرار نیست دانشجویان کمونیست رهبر جنبش دانشجویی و شخصیتهای شناخته شده جوانان و جامعه شوند، چون قرار نیست تحولات سیاسی را آنها رقم بزنند، چون قرار نیست محافل کوچک بحث را به نفع رهبر جامعه شدن و سازماندهی جامعه ترک کنند، چون قرار نیست رهبران مردم از میان آنها برخیزند.

اقتصاد کمتر مهم است! بگذارید منم علیه حکم تو کمی آظرفتر سنگربندی کرده فکر کنم. تا این لحظه میخواسیم قلع شوی که مبارزه سیاسی و اقتصادی اندازه هم مهند، حالا میخوام بگویم واقعیت امروز با این حکم ما نیست. از روی آنچه که از اخبار میشونیم، مبارزه امروز دانشجویان اصلا اقتصادی نیست، تماما سیاسی است، حتی زمینیکه خواست ظاهر اقتصادی دارند. بزرگترین وقایع دانشجویی در این سالها بر سر سیاست بوده است نه اقتصاد. اگر شما سراغ دارید که یک خواست اقتصادی را اعتراض همگانی دانشگاهها را برانگیخته است، علاقتم مطلع شوم. از روز اولی که اعتراضات دانشجویی شروع شد سیاسی بود. همین مسئله هم موجب شده که امروز کل جامعه صدای اعتراض خود را در دانشگاهها بلند کند. و باز همین مسئله دانشجویان را و جنب و جوش را مورد توجه و محبوب همه کرده است. از زاویه کارگران هم اهمیت پیشروی دانشجویان جایگاهی ویژه حتی از زاویه منافع اقتصادی خود کارگر دارد. کارگر میداند اگر دانشجو در خواست آزادی زندانیان سیاسی پیشروی کند، ایجاد تشکلهای مستقل کارگری امر بمراتب ممکن تری خواهد بود، و رهبرشان به آسانی زندان نمیروند. نه فقط کارگر که هر کسی در این جامعه میداند که برای رسیدن به خواسته‌های انسانی در هر عرصه‌ای باید اول این رژیم را سرنگون کرد. برای رسیدن به بیمه بیکاری و دستمزدی بخور نمیر هیچ راهی غیر از سرنگون کردن این رژیم وجود ندارد. اینجاست که میگویم سیاست و تغییر در تناسب قوای سیاسی امروز اهمیتی بالاتر پیدا میکند. همین اهمیت مبارزات سیاسی این دوره است که پیشروی دانشجویان

برای شنیدن برنامه روز رادیو پرتو به این سایت مراجعه کنید:
www.radiopartow.com

از سایت سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست دیدن کنید:
www.sjk-hekmatist.com

از این سایت ها دیدم کنید:
www.hekmatist.com
www.iskraa.com
www.m-hekmat.com
www.rahai-zan.com

تماس با سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۳۶۱۲

سردبیر: فواد عبداللهی
foadsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

مشاور سردبیر: محمد فتاحی
m.fatahi@ukonline.co.uk

مسئول خارج کشور: جمال کامانگر
jkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

مسئول مالی: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۷۸۲۸۲۴۵۰

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست پیوندید!